

نظرات استدلالی شورای نگهبان

عنوان

لایحه توقف اجرای احکام خلع ید و قلع و قمع ورزشگاهها و سایر تأسیسات و اماکن ورزشی تابع وزارت ورزش و جوانان

شماره مسلسل: ۱۳۹۳۰۰۸۳

تاریخ: ۱۳۹۳/۵/۲۷



پژوهشکده شورای نگهبان

شناسنامه

عنوان:

نظرات استدلالی شورای نگهبان

لایحه توقف اجرای احکام خلع ید و قلع و قمع ورزشگاه‌ها و سایر تأسیسات و اماکن ورزشی تابع وزارت ورزش و جوانان

تدوین، تنقیح و استخراج:

محمد حسن باقری

بازبینی و نظارت علمی:

مصطفی مسعودیان

گروه تدوین نظرات و مبانی آراء شورای نگهبان

شماره مسلسل: ۱۳۹۳۰۰۸۳

تاریخ انتشار: ۱۳۹۳/۵/۲۷

پژوهشکده شورای نگهبان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لایحه توقف اجرای احکام خلع ید و قلع و قمع ورزشگاهها و سایر تأسیسات و اماکن ورزشی تابع وزارت ورزش و جوانان

فهرست مطالب

مقدمه	۲
لایحه توقف اجرای احکام خلع ید و قلع و قمع ورزشگاهها و سایر تأسیسات و اماکن ورزشی تابع وزارت ورزش و جوانان	۳
مرحله اول	۳
نظر (مرحله اول) شورای نگهبان	۷
مرحله دوم	۹
نظر (مرحله دوم) شورای نگهبان	۱۵

مقدمه

بر اساس اصل (۹۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی به وسیله شورای نگهبان از نظر انطباق با موازین اسلام و قانون اساسی مورد بررسی قرار می‌گیرد و در صورت مغایرت برای تجدیدنظر به مجلس بازگردانده می‌شود. همچنین به موجب اصل (۸۵) قانون اساسی مجلس شورای اسلامی می‌تواند تصویب اساننامه‌های دولتی را به دولت واگذار کند که در این صورت اساننامه‌های مصوب دولت می‌بایست به لحاظ انطباق با شرع و قانون اساسی به تأیید شورای نگهبان برسند. علاوه بر این به موجب اصل (۴) قانون اساسی، کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است. تفسیر قانون اساسی نیز به موجب اصل (۹۸) قانون اساسی بر عهده شورای نگهبان قرار گرفته است.

در راستای اجرای این اصول، کلیه مصوبات مجلس، اساننامه‌های دولتی و استفساریه‌ها در جلسات شورای نگهبان مورد بررسی فقهی و حقوقی قرار گرفته و نظر نهایی شورا ابلاغ می‌گردد. با عنایت به تأکیدات رهبر معظم انقلاب اسلامی مبنی بر ضرورت اعلام مبانی و استدلالات شورای نگهبان، گروه تدوین پژوهشکده شورای نگهبان، با همکاری اداره تدوین دفتر امور حقوقی شورای نگهبان، اقدام به استخراج استدلالات و مبانی نظری آراء این شورا نموده است. کارشناسان این پژوهشکده، با مطالعه دقیق متن مذاکرات شورای نگهبان - که از سوی معاونت اجرایی ضبط و پیاده‌سازی می‌شود - استدلالات و ظرایف مورد نظر اعضاء را استخراج نموده، و با حفظ اصالت، آنها را در قالب یک متن علمی به جامعه حقوقی کشور ارائه می‌نمایند. یقیناً انتشار مبانی اظهارنظرهای شورای نگهبان، موجب آشنایی هرچه بیشتر جامعه علمی و نهادهای تقنینی و اجرایی کشور با فعالیت‌های این شورای حساس و تأثیرگذار شده و همچنین می‌تواند به عنوان متون درسی و پژوهشی در محافل دانشگاهی و حوزوی مورد استفاده قرار گیرد.

لایحه توقف اجرای احکام خلع ید و قلع و قمع ورزشگاه‌ها و سایر تأسیسات و اماکن ورزشی تابع وزارت ورزش و جوانان

مرحله اول

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۲/۲/۱

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۲/۲/۱۱

ماده واحده- از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون کلیه احکام قطعی خلع ید و قلع و قمع ورزشگاه‌ها و سایر تأسیسات و اماکن ورزشی تابع وزارت ورزش و جوانان که در اراضی متعلق به غیر، احداث شده است برای مدت دو سال متوقف می‌شود. وزارت ورزش و جوانان موظف است ظرف مدت مذکور با مالکین اراضی یاد شده به هر نحو ممکن از قبیل خرید اراضی، واگذاری زمین یا ملک معوض، صدور مجوز و واگذاری سهام توافق نماید.

تبصره ۱- در صورت عدم حصول توافق، بهای زمین بر اساس مقررات مواد (۴) و (۵) لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای انقلاب، تعیین، پرداخت و سند آن به نام دولت به نمایندگی وزارت مربوطه تنظیم می‌شود. در هر حال پرداخت بهای زمین به مالک نباید بیش از شش ماه پس از اتمام مهلت مقرر در متن ماده تجاوز نماید؛ در غیر این صورت مفاد حکم از سوی مراجع قضایی اجراء می‌شود.

تبصره ۲- دولت موظف است اعتبارات مورد نیاز را به گونه‌ای در لوایح بودجه سالانه کل کشور پیش‌بینی نماید که تا پایان مدت یاد شده اجرای این قانون تحقق یابد.

الف- دیدگاه مغایرت

- حکم به توقف احکام قطعی صادره از دادگاه در صدر ماده واحده مزبور، بیانگر قضایی بودن این لایحه است؛ زیرا در اصل ۱۵۶ قانون اساسی، تصمیم در مورد اجرا یا

توقف اجرای احکام دادگاه‌ها از جمله وظایف قوه قضائیه بر شمرده شده است. بنابراین از آنجا که این لایحه ماهیتاً قضایی است، طبق بند (۲) اصل ۱۵۸ تهیه این لوایح جزء وظایف رئیس قوه قضائیه است و دولت نمی‌تواند به طور مستقل لایحه قضایی تنظیم و آن را جهت تصویب نهایی به مجلس ارسال دارد. از این رو، تهیه لایحه مزبور توسط دولت بدون هماهنگی با قوه قضائیه، مغایر با اصول مذکور است.

- مطابق قاعده فقهی تسلیط (الناس مسلطون علی اموالهم)^۱ اموال مردم محترم و در مالکیت آنها است و نمی‌توان بدون تراضی، اموال مردم را از آنها گرفت. بنابراین از آنجا که ماده واحده مزبور، وزارت ورزش و جوانان را مکلف می‌کند حتی با وجود عدم رضایت مالکان، به هر نحو از قبیل خرید اراضی، واگذاری زمین یا ملک معوض، این املاک را تصرف کند، این ماده واحده، مغایر با موازین شرعی است.

- زمانی که شخصی به دستگاه قضایی رجوع و تظلم‌خواهی می‌کند و حکم نیز به نفع او صادر می‌شود، هیچ‌گونه دلیل شرعی برای تأخیر یا ممانعت در اجرای آن حکم وجود ندارد. بر این اساس، از آنجا که صدر ماده واحده مزبور، به توقف اجرای احکام قطعی دادگاه حکم کرده است و این امر موجب تضییع حق محکوم^۲ له می‌شود، این ماده واحده، مغایر با موازین شرعی است. ضمن آنکه در تراجم ضرورت پرداختن به امر ورزش و تضییع حق مردم، حق مردم مقدم است.

- از نظر شرعی و قانونی، حکم به توقف حکم قطعی دادگاه تنها در صلاحیت قاضی دادگاه است. بنابراین حکم به توقف احکام قطعی دادگاه توسط دولت در لایحه مزبور، مداخله در امر خطیر قضاوت بوده و مغایر با اصل ۱۵۶ قانون اساسی و موازین شرعی است.

- اگرچه عنوان لایحه مزبور، «لایحه توقف اجرای احکام خلع ید و ...» است، لکن در واقع مفاد آن دال بر بطلان اجرای حکم قطعی دادگاه است نه صرفاً توقف آن؛

۱. قاعده تسلیط در اصطلاح فقهی عبارت است از تسلط و اختیار مالک برای هرگونه تصرف در اموال خویش. بنابراین هر مالکی، نسبت به مال خود تسلط کامل دارد و می‌تواند در آن هرگونه تصرفی اعم از مادی و حقوقی بکند، و هیچ کس نمی‌تواند او را بدون مجوز شرعی از تصرفات در آن منع یا وی را مجبور به فروش آن کند.

زیرا در صورتی که در مدت دو سال بین دولت و مالکان توافقی انجام نگیرد، دولت با وجود عدم رضایت مالکان، با پرداخت قیمت اراضی و اماکن به آنها، مالک آن اراضی و اماکن شده و حکم قطعی دادگاه مبنی بر خلع ید و قلع و قمع ورزشگاه‌ها و سایر تأسیسات و اماکن ورزشی تابع وزارت ورزش و جوانان باطل خواهد شد. از این رو، نقض و بطلان حکم قطعی دادگاه بر اساس این لایحه، نوعی دخالت در امور قضایی بوده و مغایر با اصل ۱۵۶ قانون اساسی و موازین شرعی است.

- اطلاق عبارت «کلیه احکام قطعی» در صدر ماده واحده، برخلاف موازین شرع است. توضیح آنکه ممکن است مواردی هم وجود داشته باشد که خلع ید دولت بر اماکن و اراضی ورزشی متعلق به غیر، اخلاقی در جامعه ایجاد نکند. در این موارد، دولت باید اراضی و اماکن ورزشی را به صاحبان آنها بازگرداند. بنابراین مطابق قاعده «الضرورات تقدر بقدرها»^۱ از آنجا که در صدر ماده واحده، توقف احکام قطعی دادگاه به موارد ضروری که باعث ایجاد اخلاقی در امر ورزش است مقید نشده، این لایحه مغایر با موازین شرع است. ضمن آنکه در موارد ضروری نیز لازم است دولت اجرت‌المثل زمان تصرف خود را به مالکان آن پرداخت کند و گرنه تصرف بدون پرداخت اجرت‌المثل، مغایر موازین شرعی خواهد بود.

- اگرچه ممکن است موارد استثنایی وجود داشته باشد که دولت به جهت رعایت مصالح عموم جامعه نیاز به ملک یا اراضی اشخاصی داشته باشد که با وجود عدم رضایت آنها در اداء پرداخت مبلغ اراضی یا املاک آنها، اراضی یا املاک آنها را تصرف کند، با این وجود از آنجا که این موارد جزء احکام ثانویه قلمداد می‌شود، این ضرورت را باید مجمع تشخیص مصلحت نظام تشخیص دهد و به تصویب این مجمع برسد. بنابراین از آنجا که ماده واحده مزبور، بنابر حکم اولیه موجب تضییع حق مردم می‌شود، مغایر با موازین شرعی است.

۱. هرگاه برای انجام امور غیرمباح، ضرورت ایجاد کند، جواز انجام آن عمل صرفاً به اندازه‌ی بر طرف شدن ضرورت است و هر وقت ضرورت بر طرف شد، حکم مسئله به حالت قبل از ضرورت باز می‌گردد. به عبارت دیگر، این قاعده، به معنای آن است که ضرورت‌ها اندازه دارند و در تمسک به آنها برای دفع ضرر باید به حداقل اکتفا کرد.

ب- دیدگاه عدم مغایرت

- عبارت «در غیر این صورت مفاد حکم از سوی مراجع قضایی اجراء می‌شود» در تبصره (۱) ماده واحده مزبور، تنها یک دستور قضایی برای مراجع قضایی است و باعث قضایی شدن ماهیت لایحه نمی‌شود. بنابراین دولت در تهیه آن صلاحیت داشته و این مصوبه از این جهت، مغایرتی با اصل ۱۵۸ قانون اساسی ندارد.

- دولت ممکن است در جهت رعایت مصالح اجتماع مجبور باشد در جایی که مالکی در واگذاری ملک خود رضایت ندارد آن را به نحو مقتضی از مالک آن خریداری و در جهت مصالح مردم به کار گیرد. در اینجا نیز در صورت عدم توافق بین وزارت ورزش و جوانان و مالکان اراضی که زمین یا ملک آنها در اختیار وزارت مذکور قرار گرفته است، دولت می‌تواند بهای زمین را مطابق تبصره (۱) ماده واحده پرداخت کند و سند آن را به نام دولت به نمایندگی وزارت مربوطه تنظیم کند. بنابراین تبصره مزبور از این جهت مغایرتی با موازین شرعی ندارد.

- قضات دادگاه بر اساس قانونی که مجلس شورای اسلامی تصویب کرده است اقدام به صدور حکم می‌کنند. حال اگر پس از گذشت چند سال، مجلس بعضی یا تمام مفاد آن قانون را به هر دلیل به مصلحت جامعه نداند، احکام دادگاه‌ها نیز باید بر همان اساس صادر شود. بنابراین، حکم به توقف احکام قطعی دادگاه در ماده واحده مزبور را نمی‌توان نوعی مداخله در امر قضا دانست؛ زیرا اگر این ماده واحده، به اشتباه بودن حکم قاضی در این خصوص حکم می‌کرد، این امر دخالت در امر قضا محسوب می‌شد؛ لکن این مصوبه در مقام بیان چنین چیزی نیست؛ بلکه بر این امر دلالت دارد که بنا بر مصلحت لازم است احکام قطعی خلع ید و قلع و قمع ورزشگاه‌ها و سایر تأسیسات و اماکن ورزشی تابع وزارت ورزش و جوانان که در اراضی متعلق به غیر، احداث شده است برای مدت دو سال متوقف شود. بر این اساس، مصوبه مزبور از این جهت مغایر با اصل ۱۵۶ قانون اساسی و موازین شرعی نیست.

- توقف «دو ساله» اجرای احکام قطعی خلع ید و قلع و قمع ورزشگاه‌ها به این دلیل است که بین دولت و محکوم له توافقی حاصل گردد تا در این مدت، برخلاف شرع عمل نشود. به عنوان مثال، دولت اموال مردم را بدون جهت از مالکیت آنها

خارج نسازد و در طول این مدت با مالک آن ملک در خصوص قیمت آن، یا به توافق برسند یا با یکدیگر مصالحه کنند تا حقی از دولت و اشخاص ضایع نگردد. بر این اساس، ماهیت لایحه مزبور، قضایی نیست؛ بلکه ماهیت آن تقنینی است و لذا ماده واحده مزبور، با اصل ۱۵۸ قانون اساسی مغایرتی ندارد.

- موارد تعلیق یا عدم اجرای احکام دادگاه در قوانین مختلف از جمله قانون مجازات اسلامی ذکر شده است و قاضی با استناد به آن موارد می تواند اجرای حکمی را معلق نماید. این موارد جزء امور قضایی محسوب می شود، ولی توقف اجرای احکام قطعی خلع ید و قلع و قمع ورزشگاهها در این مصوبه از باب مصلحت عمومی و نظم عمومی است که ماهیت آن تخصصاً از امر قضا بیرون است. بنابراین ماده واحده مزبور، مغایر اصل ۱۵۸ قانون اساسی نیست.

ج- دیدگاه ابهام

- به فرض اینکه این لایحه، لایحه قضایی باشد؛ چون در آن مشخص نشده آیا این لایحه از طرف دولت پیشنهاد شده است یا از طرف رئیس قوه قضائیه، مصوبه مزبور از این جهت، دارای ابهام است.

- از آنجا که مشخص نیست تبصره (۱) ماده واحده مزبور، شامل موقوفات نیز می شود یا خیر، تبصره مذکور واجد ابهام است.

د- تصمیم شورا

- ماده واحده و تبصره (۱) آن، مغایر با موازین شرع شناخته شد.

نظر (مرحله اول) شورای نگهبان^۱

۱- اطلاق ماده واحده و تبصره یک آن در موارد غیر ضروری، خلاف موازین شرع شناخته شد و در موارد ضرورت نیز حداقل باید اجرت المثل آن پرداخت گردد.

۲- نظر به اینکه در تبصره یک ماده واحده آمده است که طبق مقررات مواد

۱. مندرج در نامه شماره ۱۴۰/۵۰/۳۰/۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۲/۱۱ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

(۴) و (۵) لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه- های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای انقلاب عمل شود، از این جهت که مشخص نیست آیا شامل موقوفات نیز می‌گردد یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.

مرحله دوم

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۲/۵/۱

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۲/۵/۱۶

ماده واحده- از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون کلیه احکام قطعی خلع ید و قلع و قمع ورزشگاهها و سایر تأسیسات و اماکن ورزشی تابع وزارت ورزش و جوانان که در اراضی متعلق به غیر، احداث شده است و ابقای آنها ضروری است، برای مدت دو سال متوقف می شود. وزارت ورزش و جوانان موظف است ظرف مدت مذکور با مالکین اراضی یاد شده به هر نحو ممکن از قبیل خرید اراضی، واگذاری زمین یا ملک معوض، صدور مجوز و واگذاری سهام توافق نماید.

تبصره الحاقی ۱- ضرورت ابقای اماکن مذکور در متن ماده واحده، بر اساس نظر اکثریت هیئتی مرکب از رئیس دادگستری، فرماندار و رئیس اداره ورزش و جوانان محل تشخیص داده می شود.

تبصره ۱- در صورت عدم حصول توافق، بهای زمین بر اساس مقررات مواد (۴) و (۵) لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای انقلاب، تعیین، پرداخت و سند آن به نام دولت به نمایندگی وزارت مربوطه تنظیم می شود. در هر حال پرداخت بهای زمین به مالک نباید بیش از شش ماه پس از اتمام مهلت مقرر در متن ماده تجاوز نماید؛ در غیر این صورت مفاد حکم از سوی مراجع قضائی اجرا می شود.

تبصره الحاقی ۲- اجرت المثل مدت تصرف تا زمان حصول توافق میان وزارت مربوطه و مالک زمین با پرداخت بهای زمین به موجب مفاد تبصره (۱)، بر اساس قیمت عادلانه زمان پرداخت بهای زمین به مالک که توسط دادگاه صالح تعیین می شود، پرداخت می گردد.

تبصره الحاقی ۳- در خصوص ورزشگاه‌ها و سایر تأسیسات و اماکن ورزشی که در موقوفات احداث شده است، در صورتی که به تشخیص سازمان اوقاف و امور خیریه، تبدیل به احسن موقوفات مذکور، قانوناً مجاز باشد به طریق مذکور در مواد (۴) و (۵) لایحه نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت اقدام می‌شود و در صورتی که تبدیل به احسن مجاز نباشد، لکن به تشخیص سازمان اوقاف و امور خیریه، به مصلحت موقوفه نباشد، به طریق اجاره بلند مدت با اخذ تمام حقوق مربوط به اجاره موقوفات عمل می‌گردد. در غیر دو صورت مذکور در این تبصره، حکم دادگاه اجراء می‌شود.

تبصره ۲- دولت موظف است اعتبارات مورد نیاز را به گونه‌ای در لوایح بودجه سالانه کل کشور پیش‌بینی نماید که تا پایان مدت یاد شده اجرای این قانون تحقق یابد.

الف- دیدگاه مغایرت

- اگر جلب رضایت مالک زمینی که دولت در آن بنایی ساخته است، منحصر به این باشد که دولت اجاره بهای آن ملک را به صاحب زمین پرداخت نماید، اجرت‌المثل زمان تصرف باید تا زمانی که آن ملک در تصرف دولت است پرداخت شود. بنابراین در تبصره الحاقی (۲)، مقید کردن پرداخت اجرت‌المثل ایام تصرف تا زمان حصول توافق بین دولت و مالک زمین، مغایر با موازین شرعی است.

- از آنجا که ممکن است اراضی که متعلق به غیر بوده و در اختیار وزارت ورزش و جوانان بوده است دارای ساختمان‌هایی نیز بوده باشد، در فرض وجود ضرورت و توافق در واگذاری آن اراضی، مجرد پرداخت بهای اراضی ورزشی کافی نیست؛ بلکه اگر تأسیساتی نیز توسط مالکان اراضی احداث شده است، بهای آن ساختمان‌ها و تأسیسات نیز باید پرداخت شود. بنابراین از آنجا که در صدر ماده واحده مزبور، تنها به پرداخت بهای اراضی اشاره شده، ماده واحده از این جهت مغایر با موازین شرعی است.

- در فرض وجود ضرورت در عدم اجرای احکام خلع ید و قلع و قمع ورزشگاه-

ها و اماکن و تأسیسات ورزشی، مقید نمودن این ضرورت به دو سال، وجه شرعی ندارد و لازم است عدم اجرای این احکام مقید به رفع ضرورت شود. به عبارت دیگر، به محض برطرف شدن ضرورت عدم اجرای احکام، حکم دادگاه باید اجرا گردد. بنابراین توقف اجرای احکام خلع ید در صدر ماده واحده برای مدت دو سال، مغایر با موازین شرعی است.

- از آنجا که معمولاً مدعی ابقای اماکن و تأسیسات ورزشی مذکور در ماده واحده، فرماندار و رئیس اداره ورزش و جوانان شهر می‌باشند، این افراد نمی‌توانند همزمان هم مدعی ابقا باشند و هم تشخیص‌دهنده ضرورت ابقای این اماکن؛ چون ممکن است در این صورت حقی از حقوق مردم تضییع شود. در این صورت لازم است دادگاه این ضرورت را تشخیص و به ابقای مکان ورزشی حکم دهد. بنابراین از آنجا که در تبصره الحاقی (۱) ماده واحده مزبور، این افراد جزء هیئت تشخیص ضرورت ابقا یا تخریب اماکن و تأسیسات ورزشی شناخته شده‌اند، این تبصره، مغایر با موازین شرعی است.

- اگر به حکم دادگاه، ضرورت ایجاب نماید که احکام قطعی خلع ید و قلع و قمع ورزشگاه‌ها و سایر تأسیسات و اماکن ورزشی، برای مدت دو سال متوقف شود، برای اینکه حقی از مالک تضییع نگردد، دولت باید به محض دریافت حکم تخلیه یا قلع و قمع از سوی دادگاه، اجرت‌المثل زمان ایام تصرف را به وی پرداخت نماید. بنابراین از آنجا که در تبصره (۲) الحاقی، دریافت اجرت‌المثل توسط مالک تا زمان حصول توافق میان وزارت مربوطه و مالک به تأخیر می‌افتد و باعث متضرر شدن مالک می‌شود، تبصره الحاقی مذکور، مغایر با موازین شرعی است.

- زمانی که دادگاه به نفع کسی حکم صادر کرده و حکم او نیز در دادگاه تجدیدنظر قطعی شده است، مفروض این است که قاضی دادگاه با در نظر گرفتن تمام جوانب قانونی و شرعی مبادرت به صدور رأی کرده است. بنابراین جایگاه فرماندار و رئیس اداره ورزش و جوانان به گونه‌ای نیست که بتوانند بنابر ضرورت از اجرای حکم جلوگیری کنند؛ زیرا ممانعت از اجرای حکم نیاز به دلیل دارد و بدون دلیل شرعی و قانونی نمی‌توان از اجرای حکم ممانعت به عمل آورد. بنابراین از آنجا که در تبصره الحاقی (۱) ضرورت ابقای اماکن مذکور در متن ماده واحده، بر اساس نظر

اکثریت هیئتی مرکب از رئیس دادگستری، فرماندار و رئیس اداره ورزش و جوانان محل تشخیص داده می‌شود، این تبصره مغایر با موازین شرعی است.

- اطلاق اعتبار و حجیت نظر هیئت ذکر شده در تبصره الحاقی (۱) در مواردی که موجب یقین یا اطمینان نشود، مغایر با موازین شرعی است.

- با وجود آنکه دولت موظف است نیازهای اجتماعی مردم را فراهم نماید و برای آنها اماکن و تأسیسات ورزشی احداث کند، ولی این وظیفه نباید با وظیفه دیگر دولت که حفظ اموال مردم و محافظت از املاک مردم است، در تراحم و تعارض قرار گیرد و دولت باید از اموال متعلق به خودش این وظیفه را انجام دهد نه اموال متعلق به مردم. بنابراین از آنجا که کلیات ماده واحده باعث تضییع حقوق مالی مردم می‌شود، این مصوبه مغایر با موازین شرعی است.

- اطلاق منوط کردن مصلحت موقوفه به تشخیص سازمان اوقاف و امور خیریه خلاف شرع است؛ زیرا در موقوفاتی که متولکی خاص دارد، ملاک تشخیص، متولکی خاص است نه سازمان اوقاف و امور خیریه. بنابراین حکم مذکور در تبصره الحاقی (۳) در این موارد، مغایر با موازین شرعی است.

ب- دیدگاه عدم مغایرت

- از آنجا که شورای نگهبان در تاریخ ۱۳۸۸/۲/۲۳ لایحه الحاقی یک تبصره به ماده (۱) لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸^۱ را تأیید کرده و آن را مغایر با موازین

۱. تبصره ماده (۱) لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸: «تبصره- در مواردی که اسناد یا اقدامات دستگاه‌های اجرایی مبنی بر مالکیت قانونی (اعم از این که به اشخاص حقیقی و حقوقی واگذار شده یا نشده باشد) به موجب احکام لازم‌الاجراء قضایی ابطال گردیده یا می‌گردد، دستگاه مربوطه موظف است املاک یاد شده را به مالک آن مسترد نماید؛ لکن چنانچه در اثر ایجاد مستحذات یا قرارگرفتن اراضی مذکور در طرح‌های مصوب، استرداد آن به تشخیص مرجع صادرکننده حکم متعذر باشد دستگاه اجرایی ذی‌ربط می‌تواند با تأمین اعتبار لازم نسبت به تملک این قبیل املاک مطابق این قانون اقدام نماید. در صورتی که حکم دادگاه مبنی بر خلع ید یا قلع و قمع صادر شده باشد دادگاه مزبور با درخواست دستگاه اجرایی دستور توقف اجرای حکم مزبور را صادر و دستگاه اجرایی ذی‌ربط موظف است ظرف مدت



شرع و قانون اساسی تشخیص نداده است، توقف کلیه احکام قطعی خلع ید و قلع و قمع ورزشگاه‌ها و سایر تأسیسات و اماکن ورزشی تابع وزارت ورزش و جوانان که در اراضی متعلق به غیر، احداث شده است، برای مدت دو سال نیز، مغایر موازین شرعی نیست.

- برای تشخیص مصلحت اینکه طرحی در مورد اراضی یا ابنیه اجرا گردد یا خیر، تنها دستگاه مجری قادر به تشخیص مصلحت است، ولی عموماً قانونی و اطلاعات همیشه این امکان را باقی می‌گذارد تا اگر شخص از اجرای آن طرح متضرر شد به دادگاه شکایت کند. به عنوان مثال، اگر شخصی از قانونی که بنا به ضرورت یا مصالح عمومی تصویب شده است، متضرر شود، می‌تواند به دیوان عدالت اداری مراجعه نماید تا آن مصوبه ابطال گردد. بنابراین مصوبه فوق قابلیت کنترل قضایی دارد و حقی از مردم تضییع نمی‌شود تا مغایر موازین شرعی باشد.

- دولت و مراکز حکومتی جهت مصالح عمومی، طرح‌هایی اجرا می‌کنند که ممکن است با حقوق خصوصی افراد در تعارض باشد. یکی از این مصالح، توقف اجرای احکام قطعی خلع ید و قلع و قمع ورزشگاه‌ها و سایر تأسیسات و اماکن ورزشی مذکور در این مصوبه است که باعث می‌شود عموم مردم از امکانات ورزشی استفاده و در نهایت، از بروز مفاسدی مانند اعتیاد جلوگیری شود. ضمن آنکه تخریب و قلع و قمع ورزشگاه‌ها در شرایط کنونی اقتصادی جامعه به اقتصاد دولت و کشور آسیب بسیاری می‌رساند. بنابراین تبصره الحاقی (۱) از این جهت، مغایرتی با موازین شرعی ندارد.

- زمانی که دادگاه به نفع مالک زمین، حکم داده و حکم نیز قطعی شده است، مالکیت شخص محرز می‌باشد و در بحث ضرورت، دیگر مدعی و مدعی علیه وجود ندارد. بنابراین اشخاصی که در هیئت مذکور در تبصره الحاقی (۱) مورد اشاره قرار گرفته است مدعی و مدعی علیه نیستند، بلکه نماینده حاکمیت هستند. از این رو، تشخیص ضرورت ابقای اماکن و تأسیسات ورزشی توسط آن هیئت از باب حاکمیت

و حقوق عمومی است. همچنین موضوع ضرورت، توافقی نمی‌باشد که نیاز به دو طرف داشته باشد. بنابراین تبصره الحاقی (۱) مغایر با موازین شرعی نیست.

- در فرضی که ضرورت ابقای اماکن و تأسیسات اماکن ورزشی وجود دارد برای شخصی که حکم نیز به نفع او در جهت قلع و قمع اماکن و تأسیسات ورزشی صادر شده نیز واجب است از باب حفظ نظام و حفظ نظم جامعه به هر طریقی که ممکن است (گرفتن اجاره، گرفتن زمین معوض و...) با دولت به توافق برسد. بنابراین مصوبه مزبور از این جهت، مغایر با موازین شرعی نیست.

- با عنایت به عبارت «قانوناً مجاز باشد» در تبصره الحاقی (۳)، موقوفاتی که متوکی خاص دارد از شمول تبصره الحاقی (۳) خارج است؛ زیرا تولیت موقوفات خاص قانوناً و شرعاً به دست متوکی خاص آن موقوفات است و دخالت در آن موقوفات برای غیر متوکی خاص، مجاز نیست. به عبارت دیگر، از نظر قانونی، سازمان اوقاف و امور خیریه تنها در مورد موقوفات عام صلاحیت تعیین تکلیف دارد و در مورد موقوفات خاص که دارای متولی مشخص هست، چنین صلاحیتی را ندارد. بنابراین تبصره مذکور مغایر موازین شرعی نمی‌باشد.

ج- دیدگاه ابهام

- از آنجا که مشخص نیست منظور از ضرورت ابقای تأسیسات و اماکن ورزشی تابع وزارت ورزش و جوانان که در اراضی متعلق به غیر، احداث شده است، چه نوع ضرورتی می‌باشد و آیا اینکه در صورت عمل نمودن به این ضرورت استحسانی برای ابقای تأسیسات و اماکن ورزشی وجود خواهد داشت یا خیر، صدر ماده واحده مزبور، دارای ابهام است.

- از آنجا که مشخص نیست تبصره الحاقی (۳) تنها در مورد موقوفاتی است که متوکی آنها سازمان اوقاف و امور خیریه است یا موقوفاتی که متوکی خاص دارد را نیز شامل می‌شود، تبصره مذکور واجد ابهام است.

د- تصمیم شورا

- ماده واحده و تبصره‌های آن، مغایر با موازین شرع شناخته شد.

نظر (مرحله دوم) شورای نگهبان^۱

۱- ماده واحده و تبصره‌های آن، از این جهت که ناظر به عدم اجرای احکام قطعی قضایی است و توقف احکام قضایی صادره علاوه بر ضرورت وجود دلایل کافی شرعی و قانونی نیازمند است تا مراحل قانونی آن از جهت شکلی طی شود، خلاف موازین شرع می‌باشد.

۲- اطلاق منوط نمودن مصلحت موقوفه به تشخیص سازمان اوقاف و امور خیریه حداقل موهم این است که در موقوفاتی که متولّی خاص داشته باشند نظر سازمان را ملاک دانسته است، خلاف موازین شرع است؛ زیرا در این گونه موارد ملاک تشخیص متولّی خاص می‌باشد.

۳- تبصره (۲) ماده واحده دارای اشکال عبارتی است و عبارت «به مصلحت موقوفه باشد» جابه‌جا شود.

۱. مندرج در نامه شماره ۹۲/۳۰/۵۱۵۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۲ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

امام خمینی (ره):

وازشورای محترم نگهبان می خواهم و توصیه می کنم، چه در نسل حاضر و چه در نسل های آینده که با کمال دقت و قدرت و طایف اسلامی و ملی خود را ایا و تحت تاثیر بیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطرود قانون اساسی بدون بیچ ملاحظه ای جلو گیری نمایند.

(صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۲۲)



بزرگساده شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد
قرنی، کوچه خسرو، پلاک ۱۲
صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵
تلفکس: ۰۴۵ - ۸۸۳۲۵ - ۲۱
info@shora-rc.ir
www.shora-rc.ir